

# علم أصول الفقه

۱۹

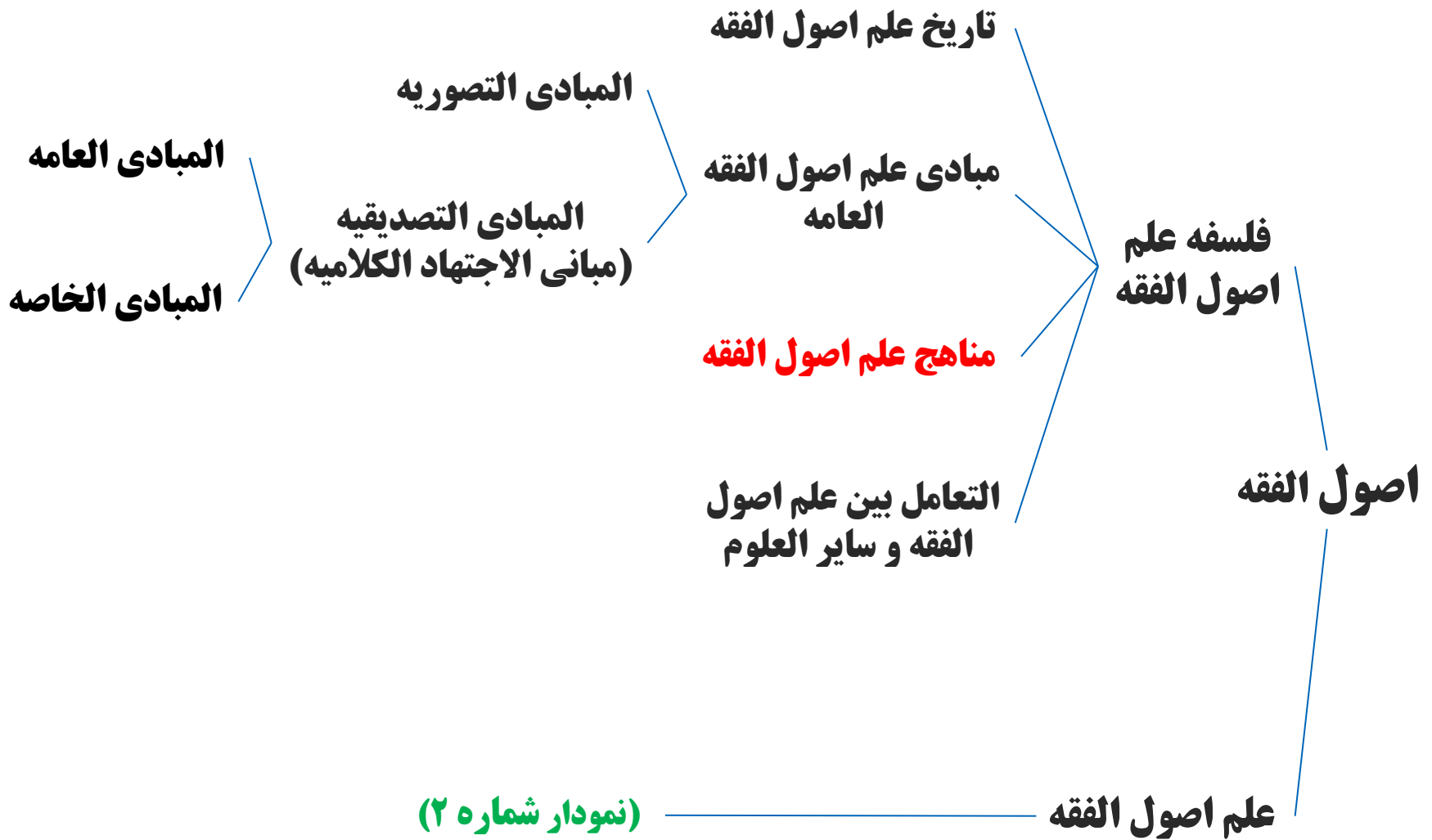
۹۴-۲-۱۶ روش شناسی

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

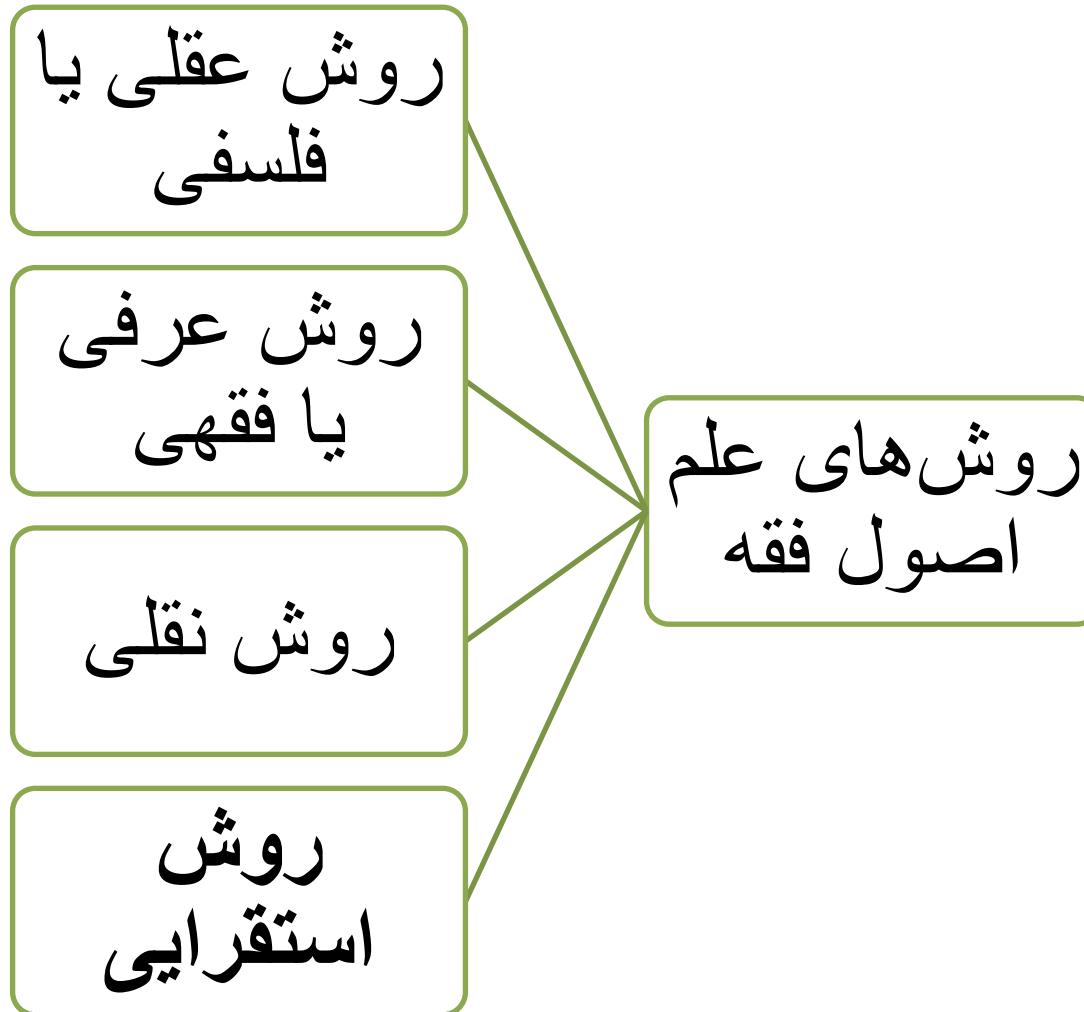
فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

- وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (٨)
- يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (٩)
- فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ  
بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (١٠)

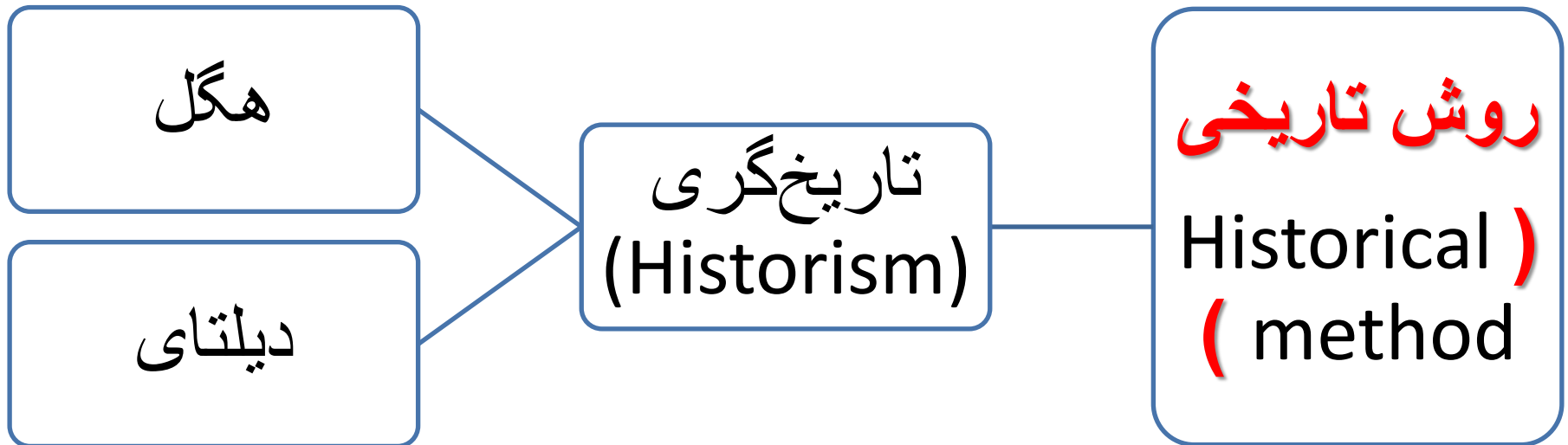
(نمودار شماره ۱)



## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



# روش تاریخی در فلسفه‌ی علم



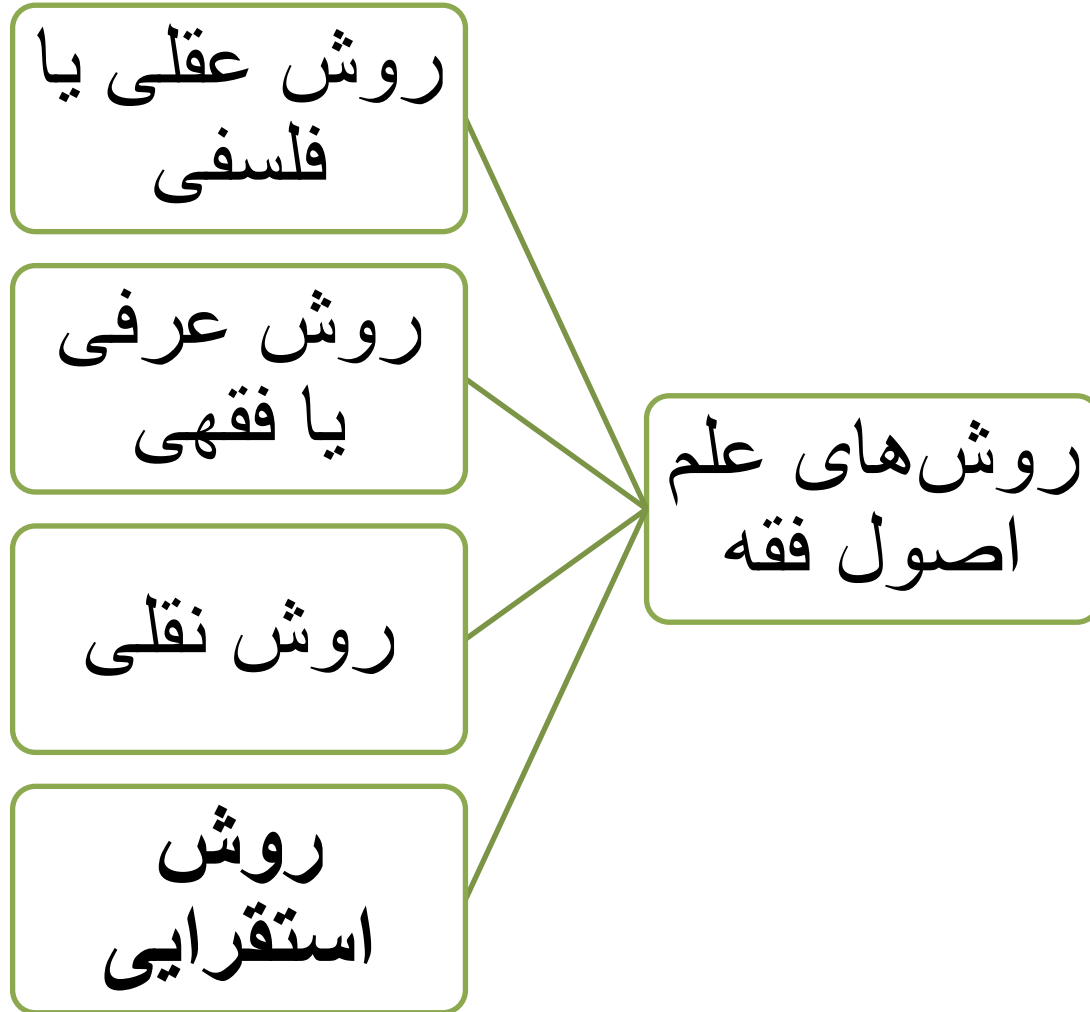
# مبانی معرفت شناسانهی روش‌ها



روش  
شناسی

معرفت  
شناسی

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- بنابراین شهید صدر
- اولاً معارف پیشین عقلی را می پذیرد
- و ثانیاً می پذیرد که بعضی معارف فقط پیشینی هستند
- و تا اینجا با منطق ارسطویی موافق است.



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما در دو نقطه مخالف است:
- ۱. بعضی از معارف مثل نفی صدفه‌ی نسبی که در نظر منطق ارسطویی پیشینی است، در نظر شهید صدر پسینی است.
- ۲. بعضی معارف که منطق ارسطویی پیشینی می‌داند، در نظر شهید صدر هم از طریق علم عقلی و پیشینی و هم از طریق پسینی قابل دستیابی است.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر و تجربه گرایان
- شهید صدر قبل از این که به توضیح نظریه‌ی خویش بپردازد، نظریه‌ی دیگری را بیان می‌کند که در بحث‌های معرفت شناسی مطرح است و با منطق ارسطویی مخالفت دارد. این نظریه نظریه‌ی تجربه گرایان است.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر می گوید: تجربه گرایان با اصل دانش پیشینی مخالفت کردند و گفتند: معارفی که عقل قبل از حس و تجربه به آن دست پیدا کند، اصلاً وجود ندارد، ما هر چه داریم بعد از حس و تجربه است.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- بنابراین در نظر آنان پایگاه معارف بشری و منشأ و ریشه‌ی اصلی آنها، حس و تجربه است. در حالی که بر اساس نگرش منطق ارسطویی پایگاه اصلی معرفت بشری، آن معارف پیشینی است که اگر نباشد، تجربه هم ممکن نیست. در نظر منطق ارسطویی تجربه هم بر همین معارف استوار است.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- تجربه گرایان بر خلاف منطق ارسطویی که بر روش عقلی و قیاسی تأکید دارد، بر روش استقرایی تأکید می‌کنند؛ ولی دیدگاه آنها در مورد استقراء و ارزش معرفتی آن یکسان نیست.

# ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

استقراء مفید یقین

استقراء مفید ظن است. این ظن با تکرار تجارب تقویت می‌شود، اما هرگز به یقین تبدیل نمی‌گردد.

تجربه گرایان از نگاه شهید صدر

استقراء نه مفید یقین معرفتی است و نه مفید ظن معرفتی؛ بلکه ما در موارد استقراء در واقع یک حالتی از معرفت را احساس می‌کنیم که به ساختار روانی ما برمی‌گردد. ساخت روانی ما به گونه‌ای است که وقتی چنین اتفاقی افتاد - تکرار مشاهده -، چنین توهمی را می‌سازد - ظن یا یقین - .

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- نقد آرای گروه اول از تجربه گرایان
- شهید صدر بعد از نقل دیدگاه تجربه گرایان به نقد آنها می پردازد و از آنجا که خودش استقراء را مفید یقین می داند، از بین آن سه گروه، بیش از همه با گروه اول موافق است.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما در چند مورد با آنها مخالف است:
- ۱. شهید صدر در مبانی منطق تجربی با گروه اول مخالف است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مبانی منطق تجربی، انکار معارف پیشین عقلی است که شهید صدر آنها را می‌پذیرد.



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۲. در تفسیر رابطه‌ی علیّی بین اشیاء نیز با گروه اول اختلاف دارد. منطق ارسطویی معتقد است رابطه‌ی علیّی، یک رابطه‌ی ضروری است.
- یک ارتباط واقعی بین علت و معلول است که اقتضا می‌کند هر گاه علت تحقق پیدا کند، معلول نیز به صورت قهری تحقق یابد.
- اما تجربه‌گرایان به طور کلی علت به این معنا - ضرورت واقعی بین دو پدیده - را نمی‌پذیرند و می‌گویند ما فقط می‌بینیم دو پدیده در پی هم رخ می‌دهند.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این اعتقاد تا قبل از هیوم هم وجود داشت. منتهی تفاوت جان استوارت میل با هیوم در این است که میل معتقد است ما واقعاً یقین پیدا می‌کنیم که در پی حرارت آهن، انبساط آن رخ می‌دهد؛ در حالی که هیوم می‌گوید: این یک یقین به معنای معرفت نیست؛ این طور نیست که در واقع چیزی باشد - ولو تداعی در پی هم آمدن دو پدیده - که ما به آن یقین پیدا کنیم. ما صرفاً یک توهم داریم. ذهن ما چیزی را می‌سازد و ما گمان می‌کنیم علم پیدا کرده‌ایم.

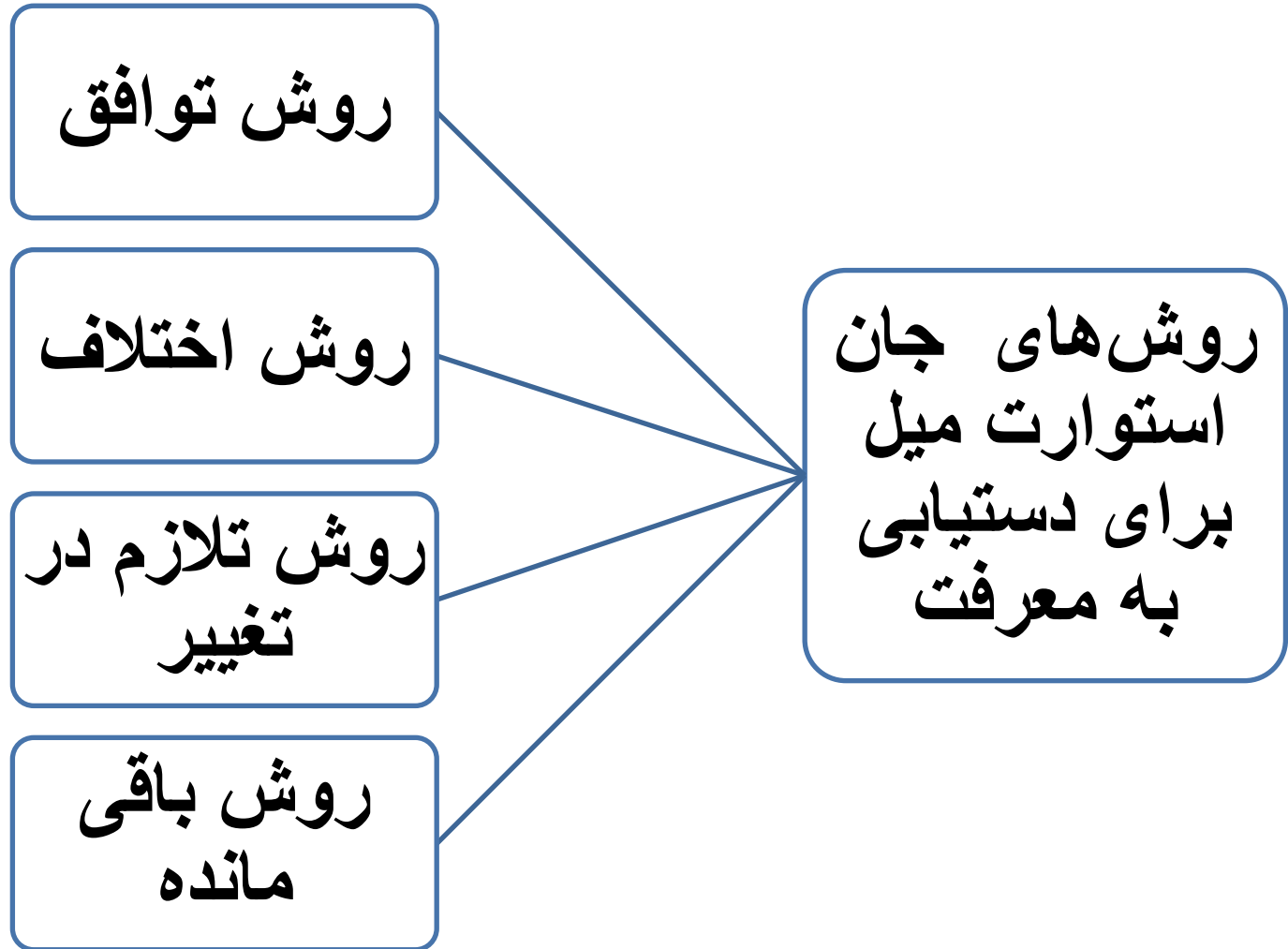
## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر همچون منطق ارسطویی معتقد است رابطه‌ی ضروری واقعی بین اشیاء وجود دارد و از آن به مفهوم عقلی سببیت تعبیر می‌کند؛ در مقابل مفهوم تجربی سببیت.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر بعد از این بحث به روش‌های چهارگانه‌ی جان استوارت میل برای دستیابی به یک معرفت می‌پردازد که از مهم‌ترین ابتکارات میل محسوب می‌شود.

# ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۱. روش توافق: اگر پدیده‌ای رخ دهد و همراه آن مجموعه‌ای از پدیده‌ها باشد و بار دیگر رخ دهد و همراه آن مجموعه‌ی دیگری از پدیده‌ها باشد و بار سوم رخ دهد و همراه آن مجموعه‌ی سوم از پدیده‌ها باشد و... و در هر بار اموری که همراه پدیده‌ی مذکور هستند، مختلف باشند الاّ یک امر که در تمامی آنها مشترک بوده است، درمی‌یابیم بین این یک امر و آن پدیده، رابطه‌ی علی وجود دارد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- مثل این که آهنی را روی آتش قرار می‌دهیم و ملاحظه می‌کنیم: داغ می‌شود، سرخ می‌گردد، نورانی می‌شود و منبسط می‌گردد. بار دیگر جریان برقی به آهن متصل می‌کنیم و مشاهده می‌نماییم: برق از آن می‌گذرد، داغ می‌شود و منبسط می‌گردد. در بار سوم آهن را آره می‌کنیم و متوجه می‌شویم بین آره و آهن اصطکاک پیدا می‌شود، آهن داغ می‌گردد و منبسط می‌شود. بعد از این ملاحظات در یک جمع‌بندی نتیجه می‌گیریم انبساط با گرم شدن همیشه همراه بوده است؛ اما با نورانی شدن، عبور جریان برق و اصطکاک همیشه همراه نبوده است. پس بین حرارت و انبساط رابطه است اما بین عبور جریان برق و انبساط یا بین اصطکاک و انبساط و یا بین نورانی شدن و انبساط این رابطه وجود ندارد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

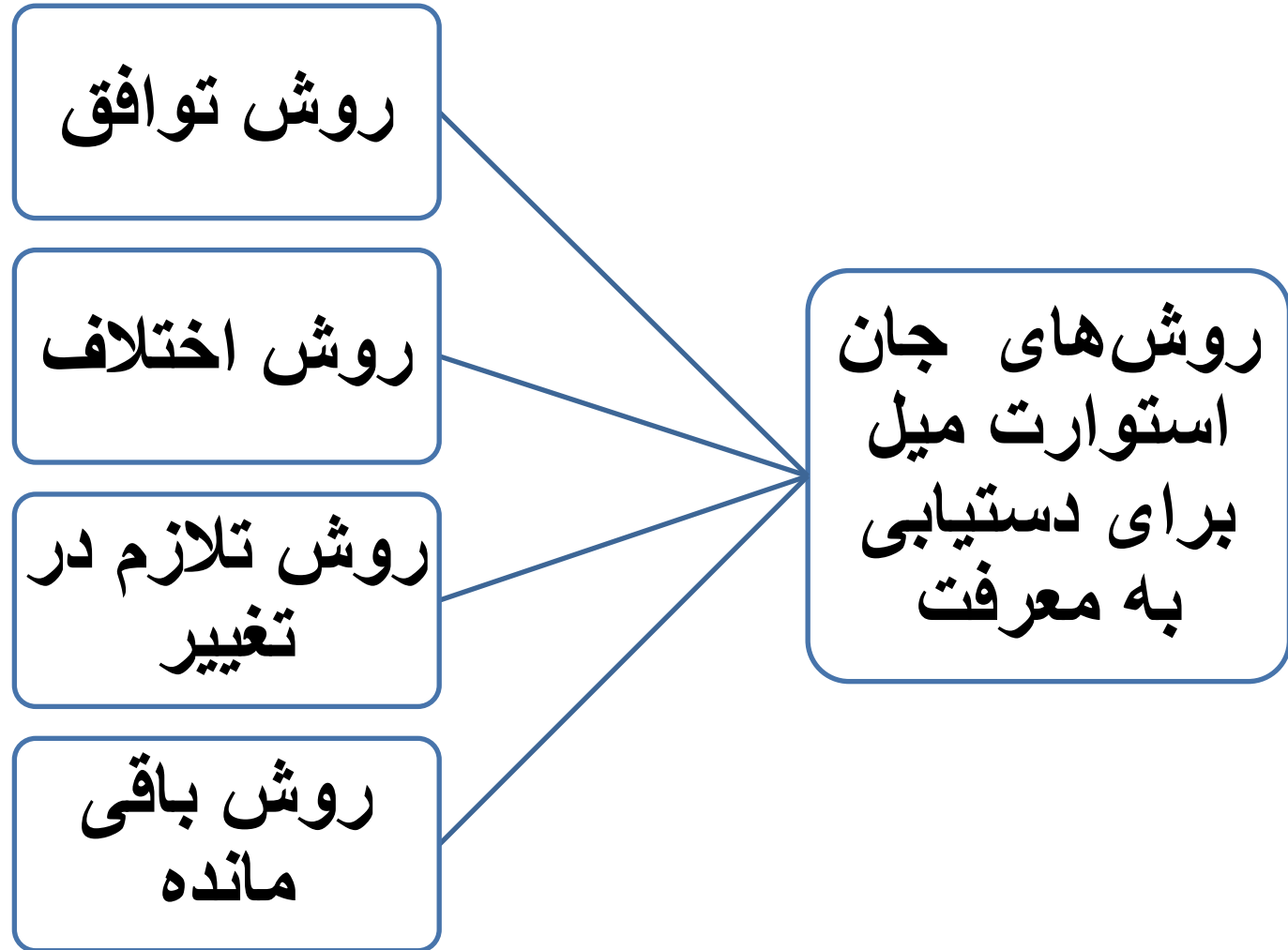
- **Direct method of agreement**
- *If two or more instances of the phenomenon under investigation have only one circumstance in common, the circumstance in which alone all the instances agree, is the cause (or effect) of the given phenomenon.*



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C D occur together with **w** x y z
- **A** E F G occur together with **w** t u v
- \_\_\_\_\_
- Therefore **A** is the cause, or the effect, of **w**.

# ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۲. روش اختلاف: در این روش مجموعه‌ای از پدیده‌ها را متقارن مقارن می‌کنیم و متوجه اثری می‌شویم. سپس یکی از آنها را تغییر می‌دهیم و درمی‌یابیم که اثر منتفی می‌شود. از چنین چیزی نتیجه می‌گیریم که بین آن و اثر ارتباط بوده است.
- به طور مثال آهنی را نورانی و داغ می‌کنیم و اثر انبساط را در آن مشاهده می‌کنیم؛ بدون حرارت انجام می‌دهیم، در این صورت انبساطی را مشاهده نمی‌کنیم. از این که می‌بینیم با حذف حرارت، انبساط هم حذف می‌شود، درمی‌یابیم بین حرارت و انبساط رابطه‌ی علی وجود دارد.

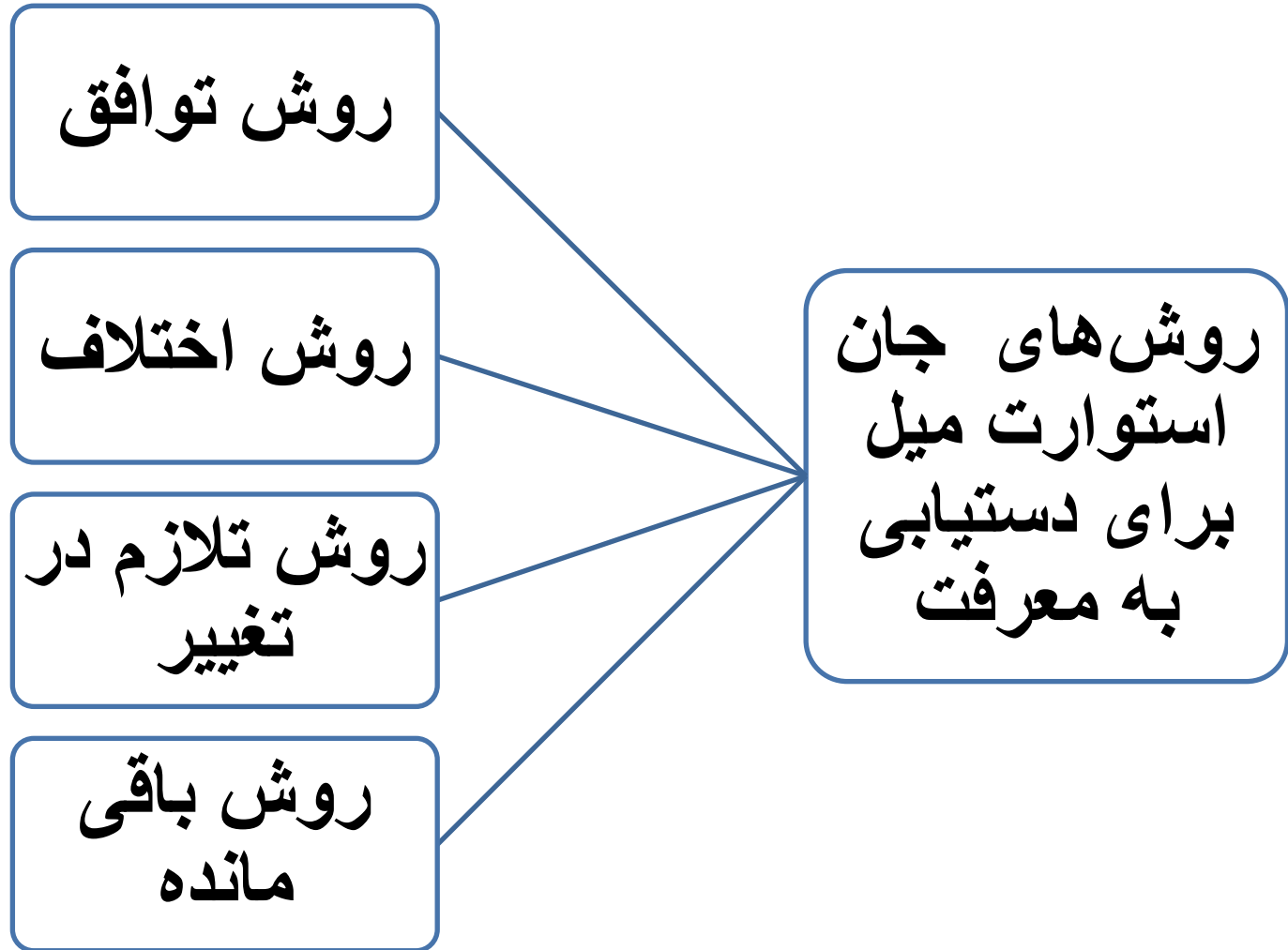
## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **Method of difference**
- *If an instance in which the phenomenon under investigation occurs, and an instance in which it does not occur, have every circumstance save one in common, that one occurring only in the former; the circumstance in which alone the two instances differ, is the effect, or cause, or a necessary part of the cause, of the phenomenon.*

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C D occur together with **w** x y z
- B C D occur together with x y z
- \_\_\_\_\_
- Therefore **A** is the cause, or the effect, or a part of the cause of **w**.

# ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۳. روش تلازم در تغییر: وقتی می بینیم دو پدیده طوری با هم ارتباط دارند که وقتی یکی را تغییر می دهیم، دیگری هم تغییر می کند، رابطه‌ی علی را کشف می نماییم.
- فرضاً آهنی را حرارت می دهیم، انبساط را در آن مشاهده می کنیم. بعد می بینیم هر چه حرارت را افزایش می دهیم، انبساط آهن افزایش می یابد و هر چه حرارت را کاهش می دهیم، انبساط آهن نیز کاهش می یابد. وقتی مشاهده می کنیم که این دو با یکدیگر تغییر می کند و تغییراتشان با هم تلازم دارد، پی می بریم بین خودشان ملازمه‌ای هست.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

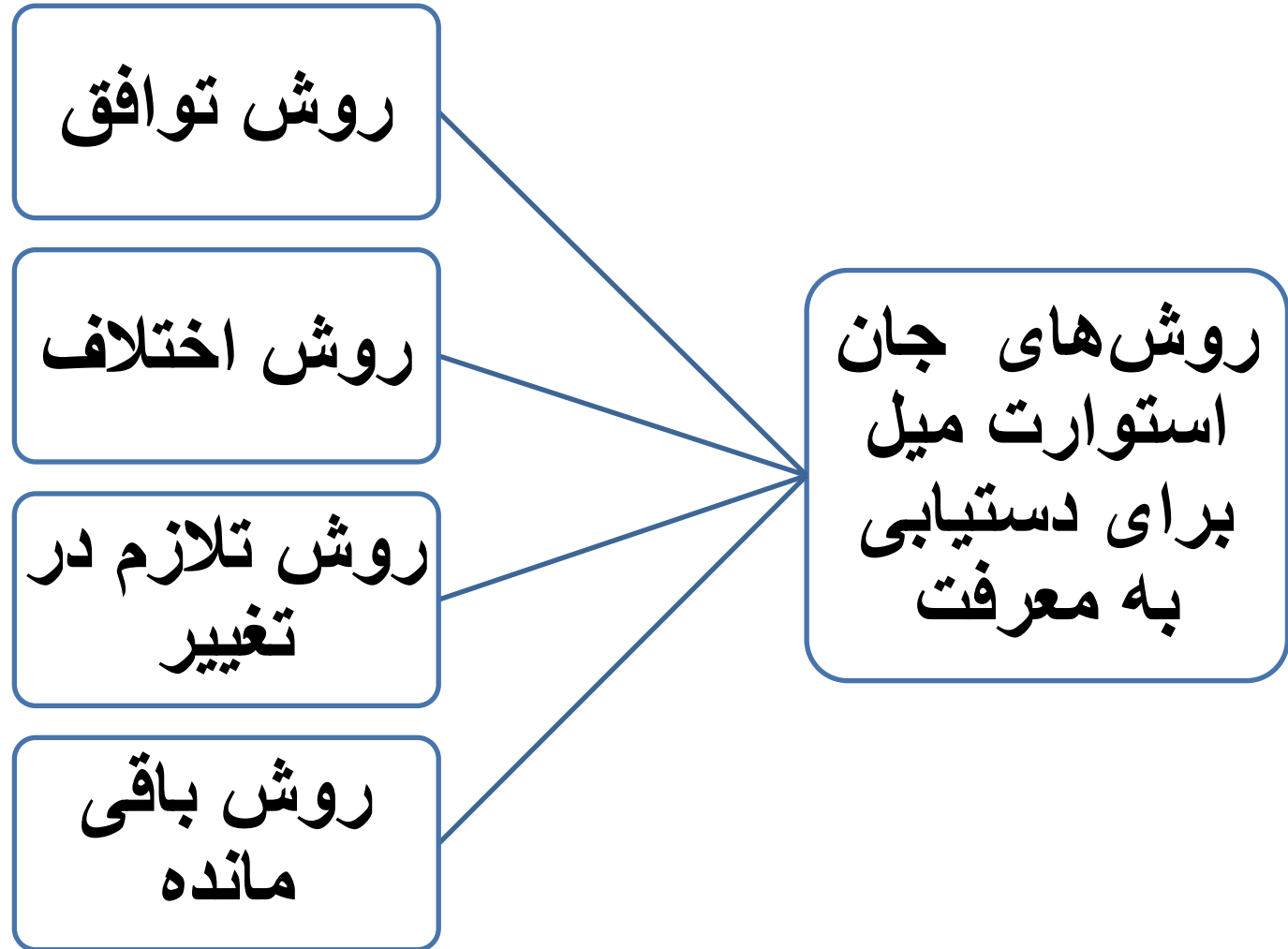
- **Method of concomitant variations**
- *Whatever phenomenon varies in any manner whenever another phenomenon varies in some particular manner, is either a cause or an effect of that phenomenon, or is connected with it through some fact of causation.*



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C occur together with **x** y z
- **A**± B C results in **x**± y z.
- -----
- Therefore **A** and **x** are causally connected

# ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۴. روش باقی مانده: وقتی همه‌ی اموری را که در یک پدیده هست، می‌توانیم تفسیر کنیم و بعد امری اتفاق می‌افتد که در آنچه مشاهده کرده‌ایم، فقط یکی مانده که می‌تواند تفسیر چنین امری باشد، پی می‌بریم که بین این دو رابطه‌ی علی وجود دارد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **Method of residue**
- *Subduct<sup>[2]</sup> from any phenomenon such part as is known by previous inductions to be the effect of certain antecedents, and the residue of the phenomenon is the effect of the remaining antecedents.*

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C occur together with **x** y z
- B is known to be the cause of y
- C is known to be the cause of z
- -----
- Therefore **A** is the cause or effect of **x**.

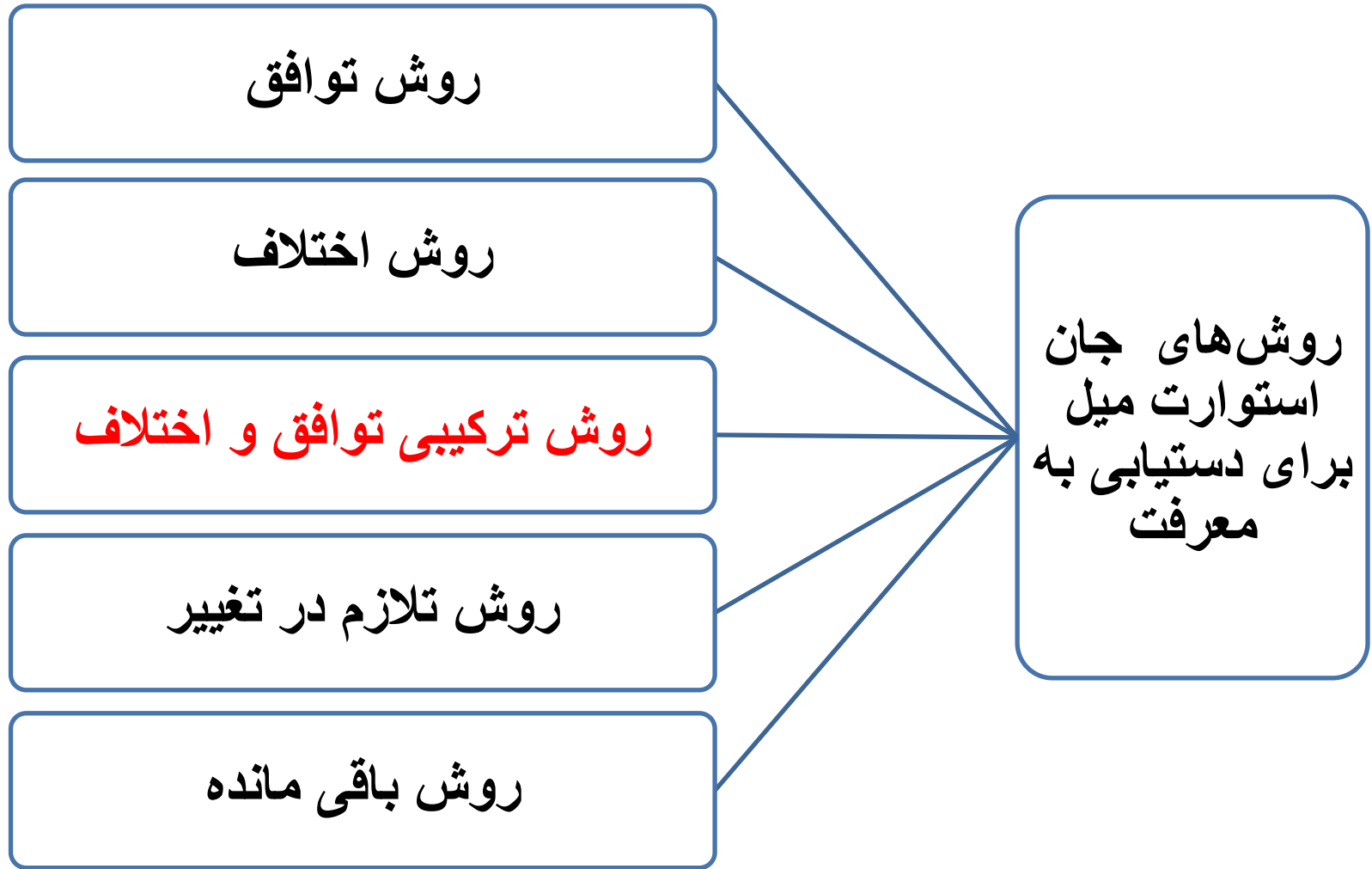
## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر برای این مورد مثالی از نجوم می آورد و می گوید:
- سیاره‌ی نپتون با همین روش در منظومه‌ی شمسی کشف شد.
- وقتی دانشمندان بر اساس قوانین جاذبه‌ی عمومی، مدار سیارات شناخته شده را محاسبه می کردند، متوجه شدند مدار واقعی اورانوس که در آن به دور خورشید می گردد، با مدار محاسبه شده تفاوت دارد.
- قانون جاذبه‌ی عمومی یک مدار خاصی برای اورانوس تعیین می کرد که با مشاهده سازگاری نداشت.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در این میان دانشمندی به نام لوفریه بر اساس نظریه‌ی جان استوارت میل گفت:
- ما نمی‌توانیم این انحراف در مسیر اورانوس را توجیه کنیم مگر این که وجود سیاره‌ای دیگر را فرض بگیریم.
- باید فرض کنیم سیاره‌ی دیگری وجود دارد که جاذبه‌ی آن روی اورانوس تأثیر می‌گذارد و باعث تغییر مدار اورانوس می‌شود.
- سال‌ها بعد این سیاره که از طریق محاسبه کشف شده بود، رؤیت شد و معلوم گردید سیاره‌ی دیگری به نام نپتون بین اورانوس و خورشید وجود دارد.

# ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی





## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **Joint method of agreement and difference**
- *If two or more instances in which the phenomenon occurs have only one circumstance in common, while two or more instances in which it does not occur have nothing in common save the absence of that circumstance; the circumstance in which alone the two sets of instances differ, is the effect, or cause, or a necessary part of the cause, of the phenomenon.*

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C occur together with **x** y z
- **A** D E occur together with **x** v w also B C occur with y z
- \_\_\_\_\_
- Therefore **A** is the cause, or the effect, or a part of the cause of **x**.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر بعد از توضیح اجمالی این طرق می گوید:
- این روش ها که راه حلی برای نفی صدفه‌ی نسبی است، چیزی جز تقویت احتمالات نیست و بر همان مبنای استقرایی استوار است.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اتفاقی که در تمام این روش‌ها می‌افتد، تقویت احتمال علیت یک شیء و تضعیف احتمال علیت شیء دیگر است.
- به طور مثال در طریق توافق مشاهده می‌کنیم حرارت در همه‌ی موارد با انبساط همراه است، اما پدیده‌های دیگر مثل نورانی شدن و جریان برق گاهی و در بعضی موارد با حرارت همراه هستند.
- در این صورت احتمال علیت حرارت برای انبساط، تقویت می‌شود، ولی علیت نورانی شدن آهن یا علیت جریان برق برای انبساط تضعیف می‌گردد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این روش‌ها، روش‌هایی است که تقریباً تا به امروز یعنی از زمان جان استوارت میل تا به الآن (بیش از دو‌یست سال) وجود دارد. البته این روش‌ها پیشرفت کرده‌اند؛ اما اصل ایده‌ی آنها هنوز وجود دارد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اگرچه این نورانیت با داغ شدن حاصل شده باشد.
- ر.ک: محمد باقر صدر، الاسس المنطقيه للاستقراء، صص ۸۸ - ۷۵.

# ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

استقراء مفید یقین

استقراء مفید ظن است. این ظن با تکرار تجارب تقویت می‌شود، اما هرگز به یقین تبدیل نمی‌گردد.

تجربه گرایان از نگاه شهید صدر

استقراء نه مفید یقین معرفتی است و نه مفید ظن معرفتی؛ بلکه ما در موارد استقراء در واقع یک حالتی از معرفت را احساس می‌کنیم که به ساختار روانی ما برمی‌گردد. ساخت روانی ما به گونه‌ای است که وقتی چنین اتفاقی افتاد - تکرار مشاهده -، چنین توهمی را می‌سازد - ظن یا یقین - .

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

### • نقد آرای گروه دوم از تجربه گرایان

- شهید صدر در مورد گروه دوم از تجربه گرایان که استقراء را مفید ظن می دانند، می گوید: کسانی که در این گروه قرار دارند، معتقدند برای این که استقراء بتواند مفید یقین باشد، نیازمند دانش پیشین عقلی است و چون چنین قضایایی وجود ندارد، استقراء مفید یقین نیست.



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- به بیان دیگر کسانی که یقین آور بودن استقراء را انکار کردند، این مطلب را پذیرفته‌اند که صرف مشاهده‌ی موارد جزئی برای یقینی بودن نتیجه‌ی استقراء کافی نیست. باید اصول اولیه‌ای وجود داشته باشد که بتوان بر اساس آنها از مشاهده‌ی موارد جزئی، نتیجه‌ی کلی بگیریم.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- آن اصول اولیه یا باید از قبیل دانش‌های پیشین عقلی باشد - همان طور که منطق ارسطویی ادعا می‌کند - یا باید از اموری باشد که مبتنی بر استقراء هستند - همان طور که کسانی مثل جان استوارت میل ادعا می‌کند - . این گروه مثل سایر تجربه‌گرایان منکر دانش‌های پیشین عقلی هستند. بنابراین در نظر آنان آن اصول اولیه نمی‌تواند دانش‌های پیشین عقلی باشد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما در مورد احتمال دوم می‌گویند: ما نمی‌توانیم اصول اولیه‌ای را که استقراء نیازمند آنها است تا به کمک آنها یقین آور شود، از طریق خودِ استقراء ثابت کنیم؛ زیرا فرض کردیم که استقراء به تنهایی هرگز مفید یقین نیست و همواره نیازمند یک سری اصول اولیه است، حال چگونه می‌تواند مفید یقین به آن اصول اولیه باشد؟

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر در مقابل این دیدگاه، اول به طرح این بحث می‌پردازد که آیا واقعاً وجداناً هیچ گاه یقین پیدا نمی‌کنیم و همواره ظن ما در حال تقویت است، بدون این که به مرحله‌ی یقین برسد؟
- آیا اگر فرضاً از دوران کودکی احساس کرده‌ایم که آتش داغ و سوزاننده است و به عضو انسان آسیب می‌رساند و بارها و بارها سوختگی عضوی از بدن را با آتش تجربه کرده‌ایم، باز هم چنین مطلبی برای ما یقینی نشده است؟

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- توجه کنید اینها می گویند: ما قاعده‌ی کلی نداریم. ما فقط به این ظن داریم که اگر دفعه‌ی دیگر هم دستمان را به آتش نزدیک کنیم، می‌سوزد. این بار که سوخته که سوخت. بحث در دفعه‌ی بعدی است. سر کلی آن بحث است؛ در جزئی شکی نیست. دست ما در دفعه‌ی اول سوخت، در دفعه‌ی دوم سوخت، در دفعه سوم سوخت و... اما از کجا می‌توانیم حکم کنیم که هر دفعه دست را به آتش نزدیک کنیم، می‌سوزد؟

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- چنین نتیجه گیری کلی ای بر یک سری مصادرات و اصول اولیه مبتنی است. ما باید علیت آتش را برای سوختن و علیت سوختن را برای درد، یعنی اصل علیت و اصل نفی صدفه‌ی نبسی را، بپذیریم تا به چنین نتیجه‌ای برسیم. چگونه این اصول و مصادرات را اثبات می‌کنیم؟

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اگر بگوییم دانش پیشین عقلی است، تجربه گرایان آن را قبول ندارند و اگر بگوییم استقرایی است، این مشکل پیش می‌آید که خود استقراء متوقف بر این گونه امور است، چطور خود اینها می‌توانند امور استقرایی باشند؟ استقراء متوقف بر اینها است تا یقین آور شود. اگر خود اینها متوقف بر استقراء باشند، دور پیش می‌آید و هیچ وقت نمی‌توان به یقین رسید.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر می گوید: اگر کسی اصل یقینی بودن استقراء را انکار کند، مثل آن کسی است که اصل واقعیت را انکار می کند و معتقد است: هر چه احساس می کنیم و فکر می کنیم که وجود دارد، همه توهم است؛ نه روزی هست، نه شبی، نه ساختمانی هست نه ماشینی؛ همه ی اینها توهمات است که ذهن ما می سازد.



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- چنین کسی ممکن است به زبان انکار کند؛ ولی در رفتار شخصی خودش نمی‌تواند به چنین انکاری ملتزم باشد. فرضاً او نمی‌تواند خودش را جلوی ماشین پرت کند به این اعتقاد که وجود ماشین توهم است.
- یا نمی‌تواند از روی بلندی خود را رها کند به این اعتقاد که ارتفاع امری متوهم است.
- یا نمی‌تواند غذا نخورد... او عملاً بر اساس این که این امور واقعیت دارند، زندگی می‌کند و الاً نمی‌تواند اصلاً به زندگی ادامه دهد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- بنابراین کسی که معتقد است اصلاً استقراء مفید یقین نیست، اعتقادش با منش و رفتاری که از خود نشان می‌دهد، ناسازگار است. بسیاری از آنچه را که او با آنها معامله‌ی یک امر واقعی و محقق می‌کند، مستند به یک سری استقراءات هستند.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر از این نکته نتیجه می‌گیرد که استقراء مفید یقین است و جای هیچ شکی در این اصل نیست.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- نکته‌ی دیگری که شهید صدر در نقد گروه دوم به آن می‌پردازد، توضیح یقین مورد نظر در استقراء است. در نظر شهید صدر یقین در استقراء نه از نوع یقین منطقی است و نه از نوع یقین روان شناختی.
- یقین منطقی آن است که انکارش مستلزم امر محال است؛ یعنی موجب اجتماع دو تقيض یا ارتفاع آنها می‌شود. یقین‌هایی که در موارد دانش‌های پیشین عقلی داریم، از این نوع است. مثلاً فرض عدم صحت «الكل اعظم من الجزء» مستلزم یک امر محال خواهد بود.

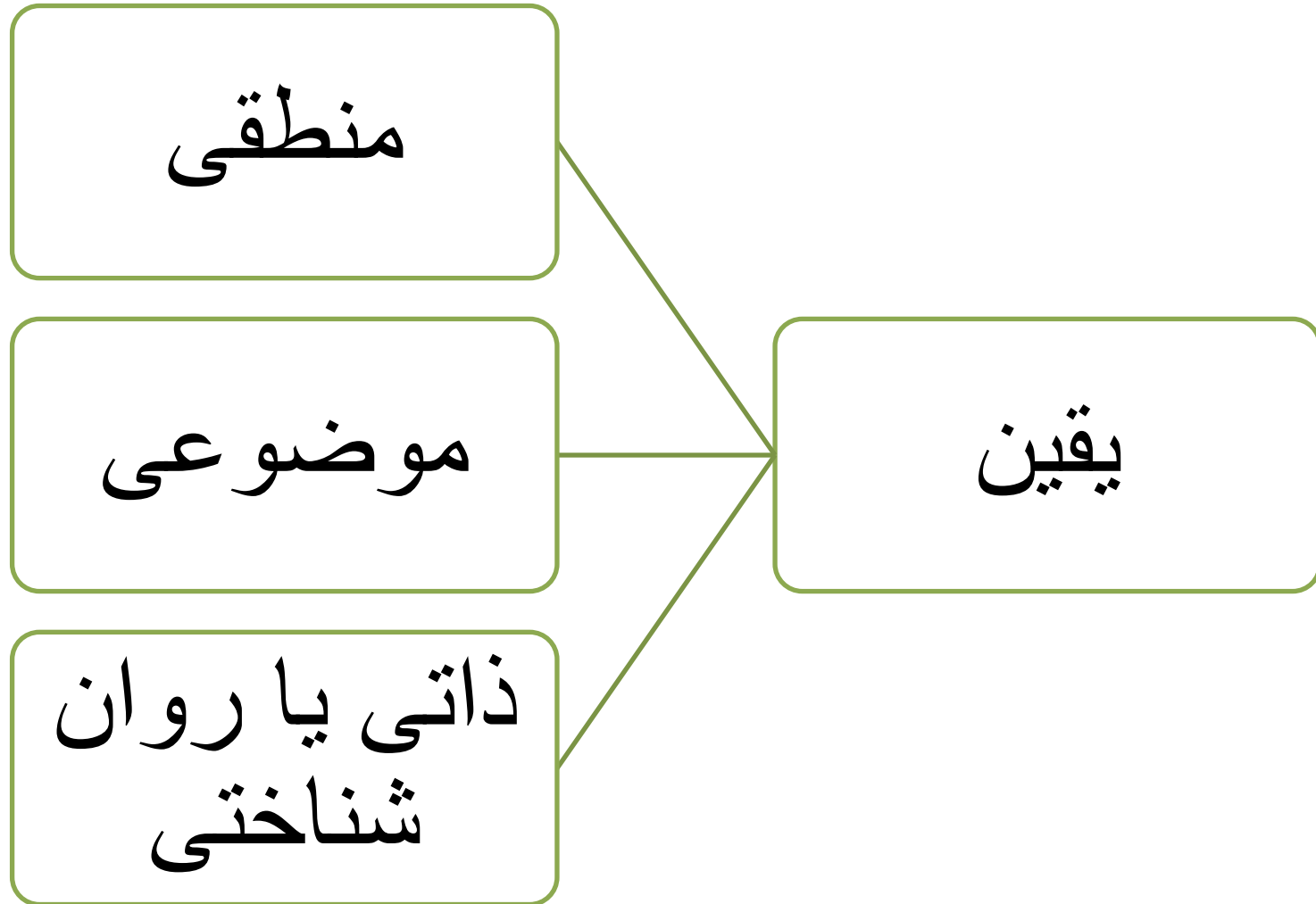
## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- یقین روان شناختی یا به تعبیر شهید صدر یقین ذاتی، یقینی است که وابسته به شخص یقین کننده است. یقین و قطع قطاع - یعنی کسی که بدون دلیل و بدون هیچ توجیهی از مقدماتی به یقین می‌رسد که دیگران از آنها یقین پیدا نمی‌کنند - چنین یقینی است.
- یقین حاصل از استقراء نه یقین منطقی است که انکار آن استحالی عقلی داشته باشد و نه یقین روان شناختی است که شخص بدون هیچ گونه توجیهی به یقین برسد. کسی که صدها بار دیده است که آهن بر اثر حرارت منبسط می‌شود، یقین او به انبساط آهن بر اثر حرارت در دفعات آتی، بدون مبرر و توجیه نیست.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- یقین استقرایی یک مبرر و عامل توجیهی دارد، اگرچه این عامل از سنخ برهان و استدلال‌های منطقی موجود در منطق ارسطویی نیست. این یقین، یقین موضوعی و عینی است.
- بنابراین همان طور که قبلاً گفتیم، شهید صدر یقین را به سه قسم تقسیم می‌کند:

# ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۱. یقین منطقی که مستند به برهان است و انکارش مستلزم محال است.
- ۲. یقین ذاتی یا روان شناختی که هیچ مبرر و موجهی ندارد و یک حالت روحی است که در شخص یقین کننده پیدا می شود و در نزد دیگران نکته‌ی مورد قبولی ندارد.
- ۳. یقین موضوعی که نسبت به آن دو یقین قبلی، حالت میانی دارد.



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- تأکید شهید صدر در بحث یقین استقرایی بر همین نقطه‌ی وجدانی است که به آن اشاره شد. یقین حاصل از مشاهدات متکرر، اولاً یقین است و ظن نیست، ثانیاً با یقین آدم و سواسی که تردیدی هم به خود راه نمی‌دهد، فرق می‌کند. یقین آدم و سواسی کاملاً وابسته به حالت روحی و روانی او است؛ در حالی که این یقین ریشه در واقعیت دارد. ریشه‌اش همان مشاهدات مکرر است که به توضیح آن خواهیم پرداخت.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- نکته‌ی سومی که شهید صدر در اینجا به آن می‌پردازد، نقد مطلب دکتر زکی است. دکتر زکی در عین حال که استقراء را مفید یقین نمی‌داند، معتقد است استقراء بر حساب احتمالات مبتنی است؛ به گونه‌ای که هر بار یک حادثه را مشاهده می‌کنیم، احتمال برای ما تقویت می‌شود. دایم این احتمالات تقویت می‌گردد، اما هرگز به مرحله‌ی یقین نمی‌رسد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- نکته‌ای که شهید صدر بیان می‌دارد، این است که بر اساس مبانی منطق تجربی، نمی‌توان از طریق حساب احتمالات تقویت ظن را توجیه نمود. وی می‌گوید: اگر اصل علیت را به آن شکلی که منطق ارسطویی قبول دارد، بپذیریم، یعنی قبول کنیم که علیت، یک رابطه‌ی ضروری بین دو شیء است، آن موقع معنا دارد که مشاهده‌ی دو پدیده در کنار هم در دفعات دوم و سوم، احتمال رابطه‌ی علی بین آن دو پدیده را تقویت نماید، و این احتمال در دفعات بعدی باز هم تقویت شود.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما اگر رابطه‌ی ضرورت بین علت و معلول را انکار نمودیم و این رابطه را قیچی کردیم - چنان که منطق تجربی چنین کاری می‌کند و می‌گوید: علیت چیزی، جز تقارن دو پدیده با هم نیست و اصلاً رابطه‌ی ضروری وجود ندارد - مشاهده‌های مکرر نمی‌تواند احتمال تکرار این حادثه را تقویت نماید.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- از منظر تجربه گرایان بین دو امری که بین آنها - به تعبیری - علیت هست با دو امری که بین آنها علیت نیست، هیچ تفاوتی وجود ندارد. یعنی نه در آن جایی که علیت هست، یک رابطه‌ی ضروری وجود دارد که وجود علت اقتضای وجود معلول را داشته باشد و نه آنجا که علیت نیست.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- فقط فرقی این است که در موارد علیت اینها متقارن می‌شوند، اما در مواردی که علیت نیست، اینها دایم تقارن پیدا نمی‌کنند. حال اگر با مشاهده‌ی مکرر دو شیء که با همدیگر چندین مورد تقارن پیدا کردند، احتمال علیت را به معنای ارسطویی تقویت شده نبینیم، هیچ دلیلی ندارد که ظن ما نسبت به این که دفعه‌ی بعد هم احتمال تقارن این دو پدیده است، تقویت شود.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- زیرا با این منظر مثلاً تقارن حرارت و انبساط - اگر واقعاً بین آنها علیتی باشد - با تقارن نوارنی شدن فلز و انبساط - که فرضاً بین آنها علیتی نیست - هیچ فرقی ندارد. هیچ ضرورتی بین حرارت و انبساط نیست؛ همچنان که هیچ ضرورتی بین نورانی شدن و انبساط وجود ندارد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- خلاصه آن که اگر مفهوم علیت را به شکلی که منطق ارسطویی پذیرفته، نپذیریم، حساب احتمالات حتی نمی‌تواند استقراء را مفید ظن معرفی کند.



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این اشکالی است که شهید صدر بر مبنای کسانی مثل پوپر دارد که از یک سو تفسیر منطق تجربی از علیت را می‌پذیرند و از سوی دیگر حساب احتمالات را منشأ تقویت احتمال در اثر تکرر مشاهده می‌دانند.
- در نظر شهید صدر، این دو قابل جمع نیست. اگر کسی مبدء علیت را به تفسیر تجربی بپذیرد، با حساب احتمالات نمی‌تواند تقویت احتمال را نتیجه‌گیری کند. تقویت احتمال فقط در صورتی ممکن است که ما تفسیر علیت منطق ارسطویی را بپذیریم.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اگر ما بپذیریم علیت عبارت است از یک ضرورت بین دو شیء، آن وقت دو چیزی که واقعاً بینشان علیت است، با دو چیزی که واقعاً بینشان علیت نیست، یک فرق واقعی دارند و آن این است که دو شیء اول به گونه‌ای هستند که اگر یکی از آنها تحقق پیدا کند، ضرورت دارد دیگری هم محقق شود.
- در حالی که در دو شیء دوم - یعنی آنجا که بینشان واقعاً علیتی نیست - چنین ضرورتی وجود ندارد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- دو شیء را که با هم می‌بینیم، احتمال دارد بینشان علیت باشد، احتمال دارد علیت نباشد. بار دیگر که تقارن آن دو شیء را ملاحظه کردیم، این احتمال که بین آنها ضرورت باشد، تقویت می‌گردد. این احتمال در صورت مشاهده‌ی مکرر همان پدیده بیشتر تقویت می‌شود و ما لااقل ظن پیدا می‌کنیم که بین آن دو شیء علیت وجود دارد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما اگر این تفسیر از علیت را نپذیریم، بین دو شیء که واقعاً بینشان علیت است و دو شیء که بینشان علیتی نیست، در این که هیچ کدام رابطه‌ی ضروری ندارند، فرقی نیست. تنها فرق این است که دو شیء اول، مقارن هم اتفاق می‌افتند؛ در حالی که دو شیء دوم ممکن است مقارن هم اتفاق نیفتند.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در این صورت ما که تقارن دو شیء را در کنار هم می بینیم، فقط به تقارن آن دو پی می بریم و از آنجا که ضرورتی را نپذیرفته ایم، هر بار مشاهده فقط نشان می دهد این دو با هم مقارن هستند؛ اما این که این تقارن به احتمال زیاد در دفعه ی بعد هم تکرار شود، تقویت نمی گردد.
- پس اگر مثلاً حرارت و انبساط را در آهن در چند دفعه مقارن هم ملاحظه کردیم، بر اساس این نظریه این احتمال تقویت نمی شود که اگر حرارتی در مشاهده ای دیگر وجود دارد، انبساطی هم حتماً موجود است.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- همین جا شهید صدر قاعده‌ای را عنوان می‌کند و می‌گوید: حساب احتمالات در صورتی می‌تواند ظن ما را تقویت کند و ارزش احتمال را بالا ببرد که ما تفسیر منطق ارسطویی از علیت را بپذیریم. بنابراین منطق تجربی که این تفسیر را در ابتدا انکار می‌کند و کنار می‌گذارد، نه می‌تواند برای استقراء یقین را تفسیر کند و نه می‌تواند ظن را برای آن توجیه کند. یعنی استقراء در این صورت حتی مفید ظن هم نیست.
- بسیاری از انسان‌هایی که دچار وسواس هستند، به این نحو یقین پیدا می‌کنند.
- ر. ک: محمد باقر صدر، الاسس المنطقيه للاستقراء، صص ۹۴ - ۸۸.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- نقد آرای گروه سوم از تجربه گرایان
- بحث شهید صدر با هیوم که مبنای سومی در منطق تجربی دارد، بیشتر به تفسیری برمی گردد که وی از حاصل استقراء می دهد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- حاصل سخن شهید صدر در تفسیر سخن هیوم چنین است: ارتباط دادن بین اشیاء، کاری است که ذهن ما به آن عادت دارد. مفهوم علیت، زائیده‌ی این عادت ذهنی ما است. ما دایم از او چیزی می‌پرسیم و او چیز دیگری را در کنار آن ذکر می‌کند. مثلاً وقتی کسی مریض است و می‌پرسیم از کجا می‌فهمی او مریض است، می‌گوید: چون رنگش پریده است، صدایش می‌لرزد و... در واقع در این موقع بین پدیده‌ها: پریده شدن رنگ و حالت و چهره و کیفیت صدا و مریض بودن، ارتباط برقرار می‌کند.



## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- یا وقتی چند بار مشاهده می‌کنیم که آهن با حرارت دادن، منبسط می‌شود، این عادت ذهنی به میدان می‌آید و می‌گوید: بین حرارت دادن و انبساط باید رابطه‌ای باشد.
- یا مثلاً وقتی می‌گوید: «گویا مدرسه تعطیل است» و ما می‌پرسیم: «چرا، از کجا دانستی؟»، در جواب می‌گوید: «زیرا حیاط مدرسه خلوت است»؛ یعنی بین خلوت بودن حیاط مدرسه و تعطیل بودن آن یک رابطه برقرار می‌کند.
- یا مثلاً می‌گوییم: «چرا فردا باران می‌آید»، می‌گوید: «زیرا امروز خیلی هوا گرم است» و...

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در واقع این عادت ذهن - یعنی این که وقتی هر چیزی را از او می‌پرسیم، چیز دیگری را به آن مرتبط می‌کند و به عنوان علت آن ذکر می‌نماید - منشأ این می‌شود که با مشاهده‌ی مکرر مقارنت دو حادثه بگویند: بین آن دو علیت هست.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در حالی که معلوم نیست واقعاً چیزی به نام علیت وجود داشته باشد؛ مثل خیلی پدیده‌هایی که ما نشانه‌ی چیز دیگری می‌گیریم و در واقع ممکن است هیچ ربطی به همدیگر نداشته باشند. به عنوان مثال لباس مشکی پوشیدن و شب در خیابان پرسه زدن، ضرورتاً نشانه‌ی دزد بودن نیست. اما در همین جا هم ذهن بین لباس مشکی پوشیدن، شب بیرون رفتن، در خیابان پرسه زدن و دزد بودن شخص ارتباط برقرار می‌کند و آنها را علت دزد بودن می‌گیرد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- حال وقتی ذهن بر اساس آن عادت، بین اشیاء رابطه برقرار می‌کند و بعضی را علت بعض دیگر معرفی می‌نماید، به این نتیجه هم می‌رسد که در دفعات دیگر هم پدیده با همان صورت رخ می‌دهد.
- یعنی اگر چندین بار مشاهده نمود که آهن در اثر حرارت منبسط می‌شود و بعد بین حرارت و انبساط رابطه برقرار کرد و حوادث را علت انبساط قرار داد، نتیجه می‌گیرد که در دفعات دیگر هم هر بار آهن حرارت پیدا کند، منبسط می‌شود و به این ترتیب یقین پیدا می‌کند؛ اما این یقین در واقع به عادت ذهنی ما برمی‌گردد بدون این که یک پشتوانه‌ی واقعی و قابل قبولی داشته باشد.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- به تعبیر دیگر - که شهید صدر به این تعبیر تصریح می‌کند - هیوم یقین ناشی از استقراء را یقین روان شناختی معرفی می‌کند و تفسیر او از فرایند استقراء، تفسیر ذاتی است، نه تفسیر موضوعی.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در واقع عمده‌ترین نکته‌ای که آقای صدر با هیوم دارد، در همین است که هیوم بحث را به عادت ذهنی و ساخت روانی انسان برمی‌گرداند و شهید صدر می‌خواهد بگوید این عادت ذهنی و ساخت روانی یک امر بی‌ریشه و یک عادت بدون دلیل و منشأ نیست.
- شخص در این حالت مثل آن آدم و سواسی نیست که بر روی پشت‌بام ایستاده و با مشاهده‌ی افتادن قطره‌ی خونی در حیاط، یقین می‌کند که نجس شده است. یقین استقراء کننده با یقین چنین کسانی فرق می‌کند.

## ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این مثال را آقا سید احمد زنجانی در الکلام یجر الکلام آورده است.
- ر. ک: محمد باقر صدر، الاسس المنطقیه للاستقراء، صص ۱۰۳ - ۹۵.